

نگاهی به عوامل بازگشت مجدد داعش و گروه طالبان

سرمقاله

دو سال وحدت ملی

مهدی مدبر

منتقدان حکومت دو سالگی را پایان توافق نامه تشکیل حکومت وحدت ملی می دانند و می گویند عمر حکومت وحدت ملی دو ساله بود که خلاص شد، این گمانه زنی ها درباره سرنوشت ریاست اجراییه پیشتر مطرح است. اما رهبران حکومت وحدت ملی همواره تاکید کرده اند که توافق نامه حکومت وحدت ملی برای یک دوره قانونی پنج ساله است.

تشکیل حکومت وحدت ملی هر چند که ما را از بحران نجات داد و اکنون دو سال است که ما زیر چتر وحدت ملی زندگی می کنیم، خود باعث خلق بحران های بی شماری شده است. بحران های که باعث شده است بسیاری از شهروندان کشور از حکومت وحدت ملی رضایت نداشته باشند و از رهبران حکومت به شدت انتقاد کنند.

اختلافات درونی رهبران حکومت وحدت ملی باعث شد که آنها به بسیاری از وعده های که به مردم داده بودند عمل نتوانند و همچنان بسیاری از مواد توافق نامه تشکیل حکومت وحدت ملی، عملی نگردد. امروز دقیقاً حکومت وحدت ملی وارد سومین سال آغاز به کار خود شد. دو سال پیش در ۲۷ ام ماه میزان با تحلیف رئیس جمهور و رئیس اجراییه، حکومت وحدت ملی تشکیل شد. سومین سال کاری حکومت وحدت ملی در حالی آغاز می شود که وضعیت داخلی کشور، نسبت به دو سال پیش، در بخش های گوناگون بدتر شده است و شرایط زندگی برای مردم افغانستان سخت و دشوار گردیده است. اصلاحات نظام انتخاباتی، تامین امنیت، تغییر قانون اساسی، بهبود وضعیت اقتصادی و ایجاد شغل از وعده های اصلی رهبران حکومت وحدت ملی بود، اما نه تنها در این زمینه ها بهبودی بوجود نیامده است، بلکه، وضعیت نسبت به سالهای گذشته بسیار بدتر شده است.

حکومت وحدت ملی در آغازین روزهای خود پیمان امنیتی با ایالات متحده آمریکا را به امضا رساند، کاری که آقاز کرزی انجام نداد و در مقابل آن ایستادگی کرد. با امضای پیمان امنیتی با آمریکا، انتظار می رفت که وضعیت امنیتی کشور بهبود قابل ملاحظه ای پیدا کند و امنیت و آرامش در کشور حاکم گردد، اما هر چه بیشتر از عمر حکومت وحدت ملی گذشت، وضعیت امنیتی کشور، بدتر شده رفت.

وضعیت اقتصادی کشور نیز بدتر شده است و سرمایه گزاری ها در بخش خصوصی کاهش قابل ملاحظه یافته است. به دلیل کاهش سرمایه گزاری ها و کاهش فعالیت شرکت های صنعتی، بیکاری نیز افزایش یافته است و عده ای زیادی از شهروندان فاقد کار و شغل ثابت است. وضعیت کارایی در ادارات دولتی نیز تاسفبار است، فساد اداری سایر بخش ها، در این زمینه نیز بیاد می کند و بدون واسطه، راه یافتن به ادارات دولتی برای هیچ یک از جوانان تحصیل کرده، ممکن نیست.

یکی از پیامدهای نا امنی ها، شرایط بد اقتصادی و بیکاری، موجی از مهاجرت شهروندان کشور به کشورهای اروپایی بوده است. در طی دو سال عمر حکومت وحدت ملی، تعداد زیادی از شهروندان افغانستان به دلیل نبود زمینه کار و افزایش تهدیدهای امنیتی، فرار را بر قرار ترجیح دادند و از مسیر دریا ها و بصورت غیرقانونی خود را به کشورهای اروپایی رساندند و عده ای زیادی از آنها هنوز در آنجا بی سرنوشت هستند. تعداد زیادی از شهروندان کشور در راه رسیدن به اروپا و فرار از جنگ و نا امنی، جان شان را از دست دادند.

اصلاحات انتخاباتی، توزیع نذکره های الکترونیکی و مبارزه با فساد اداری از دیگر وعده های رهبران حکومت وحدت ملی که همواره درباره شان صحبت شده است، اما تنها قانون انتخابات اصلاح و توضیح شده است و مرکز عدلی و قضایی برای مبارزه با فساد ایجاد شده است، اما عملاً هنوز هیچ پرونده ای فساد اداری بسته نشده است.

مردم افغانستان حکومت وحدت ملی را دو سال با تمام فراز و فرودهایش تجربه کردند، هر چند که سیاست رهبران حکومت نتوانسته است وضعیت زندگی مردم را بهبود بخشد، اما مردم افغانستان توانسته اند بیاورند که تنها با وحدت و هماهنگی می توانند از بروز بحران ها جلوگیری کنند و کشور شان را از رفتن به گذشته، باز دارند.

در ماه جون سال جاری نیروهای امنیتی کشور عملیات موسوم به «قهر سیلاب» علیه گروه داعش در ولایت ننگرهار راه اندازی نمودند و گروه داعش را وادار به عقب نشینی نمود. اکنون اما، داعش در حال بازگشت و تصرف دوباره به مناطق و پایگاه قبلی شان است. عملیات قهر سیلاب موفقیت آمیز بود. جنرال جان نیکلسون، فرمانده عمومی نیروهای بین المللی در افغانستان نیز عملیات قهر سیلاب را موفقیت آمیز خواند و بیان داشت که بر اثر این عملیات حافظ سعید، رهبر منطقه گروه داعش و ۱۱ عضو برجسته ای دیگر گروه داعش کشته شدند. با وجود موفقیت عملیات ماه جون و جولای اما، مسئله وضعیت کنونی و بازگشت دوباره داعش در پایگاه قبلی شان است. مشکل در کجا است؟

یکی از مهمترین مسائل که باعث بازگشت دوباره گروه های شورشی می شود ضعف پلیس ملی است. در سال های گذشته نیز، پلیس ملی کشور قادر به ایجاد پست ها در مناطقی که اردوی ملی تصرف نموده است نبوده است. در واقع، پلیس ملی کشور و یا به عبارت دیگر وزارت امور داخله توانایی و ظرفیت کنترل مناطق آزاد شده را ندارد. همین مسئله در سال های گذشته و اکنون باعث شده است/ می شود که گروه های شورشی باردیگر مناطق از دست رفته شان را دوباره بگیرد. مقام های وزارت دفاع ملی نیز چندین بار به این مسئله گوشزد نموده است. با این حال، در حکومت حامد کرزی و حکومت کنونی کمتر به این مسئله توجه صورت گرفته است.

مسئله اما، تنها ضعف وزارت داخله و پلیس ملی کشور نیست. مسئله اما، فقدان هماهنگی میان وزارت دفاع ملی و وزارت امور داخله نیز هست. زمانی که یک منطقه به تصرف نیروهای امنیتی کشور در می آید برای استقرار نیروی جدید میان وزارت دفاع ملی و وزارت داخله هماهنگی وجود ندارد. در واقع،

رحیم حمیدی



شده است. در هلمند، بغلان، کندز و ... نیروهای امنیتی کشور به محاصره دشمن در آمده بودند و در عین حال، تجهیزات و امکانات اندک در اختیار داشتند. نهاد های امنیتی کشور به هشدار های آن ها توجه ننموده بود. در یک مورد، گروه طالبان با محاصره نیروهای امنیتی در سرخ کوتل و بدخشان نیروهای امنیتی را سلاخی می کنند. بنابراین، بی توجهی و سهل انگاری و یا نادیده گرفتن هشدار ها در برخی موارد عامل دیگر رفتن مناطق تازه تصرف شده است.

مسئله دیگر امکانات نیروها در مناطق جنگی است. نهاد های امنیتی کشور در سال های اخیر با مشکل اکمال و تجهیز نیروهای امنیتی در مناطق جنگی مواجه بوده است. در واقع، در بسیاری از مناطق به خاطر بی توجهی، سهل انگاری و یا نادیده گرفتن هشدارهای نیروهای امنیتی در میدان جنگ تجهیزات به موقع به نیروهای امنیتی کشور نرسیده اند و نیروهای امنیتی کشور مجبور به عقب نشینی شده است. این مسئله هم باعث از دست رفتن مناطق شده است و هم منجر به قربانی شدن نیروهای امنیتی کشور در میدان جنگ

امنیتی کشور کمتر به این مسئله توجه نموده است. این مسئله به تداوم جنگ در افغانستان کمک می کند. فراموش نکنیم که گروه طالبان و دیگر گروه های شورشی بخش از نیازمندی تسلیحاتی خود را از بازار سیاه افغانستان تامین می کنند. بازاری که تجهیزات نیروهای امنیتی کشور را نیز می فرودد. بنابراین، ضروری و جدی است که به این مسئله توجه جدی صورت گیرد و تا حد ممکن از آن جلوگیری شود.

عامل دیگر استراتژی و تاکتیک های جنگی نیروهای امنیتی است که نقش اساسی در بازگشت گروه های شورشی دارد. استراتژی جنگ علیه داعش تا حد زیادی توجه به جلب کمک های بین المللی دارد تا از بین بردن داعش در افغانستان. بر اساس سخنان جنرال جان نیکلسون گروه داعش در حدود ۱۲۰۰ تا ۱۳۰۰ نفر نیرو در افغانستان دارد. واقعیت امر این است که نیروهای امنیتی کشور توانایی و ظرفیت از بین بردن این تعداد افراد را در کمترین زمان ممکن ندارد. اما، عده ای به خاطر جلب کمک های بین المللی از میان برداشتن آن ها جلوگیری می کنند. در عین حال، تاکتیک های جنگی ما برای یک نیروی مجهز و تربیت شده تعریف نشده است بلکه بیشتر برای گروه های چریکی تعریف شده است. تصرف یک منطقه و بعد واگذاری آن بدتر بسن تاکتیک ممکن برای نیروهای امنیتی است که مقامات سیاسی و نظامی کشور آن را «عقب نشینی نیست» معمولاً گروه های چریکی از آن استفاده می کنند زیرا، در موقعیت ضعیف قرار دارد.

بنابراین، بازگشت گروه داعش و یا گروه طالبان بستگی به عوامل زیادی دارد. مهمترین عوامل را در بالا متذکر شدیم. نهاد های امنیتی کشور باید به چالش ها و مشکلات مذکور به صورت برخورد نماید در غیر آن جنگ کنونی نیروهای امنیتی کشور را خسته می کند و در نهایت با بحران مواجه می سازد.

شفافیت قابل قبولی برقرار کرد، نوعی «اختلاط مالی» پدید می آید که فرآیند پول شویی را تسهیل می کند.

۳- اختلاط مالی، پیچیده ترین مرحله از فرآیند پول شویی است، زیرا در این مرحله که معمولاً مبادلات پولی از طریق نهادهای واسطه و یا کارگزاران مالی صورت می گیرد، به سهولت سر نخ اصلی مبادله، یعنی عرضه کنندگان پول در ابهام قرار می گیرند.

پیچیدگی اختلاط مالی زمانی که داد و ستد جنبه بین المللی پیدا می کند به مراتب افزایش می یابد، زیرا در بسیاری از کشورها، مقررات بین المللی در رابطه با پول شویی به تصویب نرسیده است و یا رعایت نمی شود. از این رو کسانی که از طریق پول شویی به مبادلات مواد مخدر و یا قاچاق کالا می پردازند در واقع با اختلاط پولهای آورده، مجدداً با قدرت بیشتری نهادهای سالم و واقعی هر کشور را نشانه گرفته اند. گاهی کسانی که به محافل تصمیم گیری نزدیک می شوند، با استفاده از رانت اطلاعاتی ثروت قابل ملاحظه ای را بدست می آورند این مسئله نیز باید نوعی «پول شویی ضمنی» تلقی شود.

در هر حال، وقتی از طریق رانت اطلاعاتی ثروتی به وجود می آید و با سایر منابع بانکها و مؤسسات اعتباری مخلوط می شود، بلافاصله جناح سیاسی تحت تأثیر خود را تقویت خواهد کرد و در این حال مبارزه با مسئله پول شویی تا حدود زیادی دشوار خواهد شد.

۴- تسهیل پول شویی فرض می کنیم که منابعی از طریق دزدی و یا خرید و فروش کالاها قاچاق و غیر مجاز، تحصیل کرده، با سپرده گذاری در شبکه بانکی و با استفاده از خدمات بانکی، بتواند از طریق روشهای قانونی مثل سایر افراد عملیات بانکی در چینی می خواهد انجام دهد. تا زمانی که صاحبان غیر قانونی پول با فریب مجریان قانون به عملیات خود مبادرت می ورزند، پول شویی یک مسئله ساده است، (لیکن پس از اینکه صاحبان غیر قانونی پول بر خورد قانون و شکل دادن آن به نفع خود دسترسی پیدا کند مثل کشورهای آمریکای لاتین - آنگاه با مسئله پول شویی شتابنده مواجه خواهیم بود.) در هر حال موضوع پول شویی در ابتدا ممکن است موردی و تحت تأثیر عوامل مختلف آسیب ساختنی روی دهد. این مسئله نیز مثل اکثر آسیبهای اجتماعی قابل رفع است، لیکن زمانی که پول شویی به عنوان یک هدف سازمان یافته سیاسی مشروعیت پیدا کند، در آن صورت آتشی فراگیر، دامن همه جامعه را شعله ور خواهد ساخت. امروزه این هجوم سرطانی پولی که بلافاصله موجب تشکیل تیمورهای مختل کننده اقتصادی می شود، تحت عنوان پول شویی مطرح شده است.

پولشویی

قسمت دوم



معمولاً پول غیر قانونی از سویی بنگاههای غیر مشهور و غیر رسمی و اشخاصی که در رابطه با این بنگاهها به صورت غیر قانونی فعالیت دارند تولید می شود. این بنگاهها معمولاً از طریق روشهای غیر مجاز و ارتباط با مسئولان پر نفوذ کالاهای ارزشمند و یا خدمات ویژه ای را خارج از رویه معمول و با سقفی بیش تر از میزانی که تعیین شده است دریافت می کند و معمولاً با استفاده از روشهای برنامه ریزی شده برای فرار از پرداخت مالیات، پول غیر قانونی را بیشتر رواج می دهند.

در کشورهایی که توزیع با روش پارانه ای صورت می گیرد و یا از مراکز غیر قابل حسابرسی حمایت می شود، فضای مطلوبی برای رواج پول غیر قانونی فراهم می شود و رانت خواران حداکثر بهره برداری را از تفاوت قیمت مصوب و قیمت آزاد به عمل می آورند.

۲- سند سازی مالی معمولاً پول غیر قانونی از طریق بنگاهها و واسطه های مالی غیر مجاز و غیر متعهد به مقررات نظام بانکی و با استفاده از اسناد جعلی وارد شبکه بانکی می شود امکان جلوگیری از این جریان به خصوص با گسترش فن آوری الکترونیک، مشکل است. لیکن همین فن آوری قادر است که در آینده ای نزدیک به نحو رضایتبخشی، طرفهای اصلی و صاحبان واقعی منابع مالی را به طور دقیق شناسایی کنند. بدیهی است استفاده از هر نوع فن

اولین بار پس از رسوایی «واتر گیت» مطرح شد. لیکن این پدیده اصولاً همزمان با پیدایش پول و رواج نظام پایه پولی، مد نظر متفکران اقتصادی - سیاسی قرار گرفته است.

بر حقیقت روند پول شویی و دلیل انجام آن بستگی به شرایط اقتصادی جامعه دارد. معمولاً در جوامع دیکتاتوری، سیاستمدارانی هستند که پولهای کثیف را بدست می آورند. با مطالعه تاریخ متوجه می شویم که بسیاری از سیاستمداران هم از این پدیده در اهداف سودجویانه خود زمینه های استفاده های نابجا از فعالیت های غیر رسمی را داشته اند. این شرایط در کشورهایی که اقتصاد متمرکز دولتی در آن جریان دارد، درآمدها نا مشروع و غیر قانونی نیز از این طریق بدست می آید که برای سالم سازی و تطهیر آن اقدام به پول شویی می کنند.

برای مثال بعضی از دولت های پیشین کشورهای کمونیستی مثل رئیس جمهور فنلاند ۱/۵ میلیارد دالر از طریق نقل و انتقال قانونی پول بدست می آورد و در چین کارخانه موتور سیکلت سازی یک میلیارد دالر پول شویی داشته است.

بررسی نظام اقتصادی کشورها نشان می دهد که هر چه از یک سیستم اقتصادی رقابتی متکی به مالکیت فردی دور شویم، شرایط مناسب تری برای چنین اعمالی به وجود می آید و این یک اصل کلی است. - مراحل عملیات پول شویی ۱- ایجاد پول غیر قانونی



روزنامه افغانستان با The Daily Afghanistan Ma. Contact information: ۰۷۹۸۳۴۱۸۶۱, ۰۷۹۹۱۰۵۷۳۷۱. Address: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۲۷.